

## بررسی و تحلیل هیدروپلیتیک رودخانه‌های بین‌المللی با تأکید بر رودخانه مرزی ارس

یاشار ذکی<sup>۱</sup>

جلیل دلشادزاد<sup>۲</sup>

باپرام کریمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۸/۱۴

### چکیده

از دیدگاه جغرافیای سیاسی، اگر چنانچه تمام یا بخشی از قلمرو رودخانه اعم از بستر، سطح و فضای بالای آن تحت نظارت و اعمال حاکمیت قانونی بیش از یک کشور قرار بگیرد، رودخانه‌ی بین‌المللی اطلاق می‌گردد. رودخانه‌های مرزی و بین‌المللی، زمینه‌ی همکاری یا منازعه میان کشورهای فرادست و فرودست را فراهم می‌کند. این نوع رودخانه‌ها از یک‌سو با کاهش روزافزون منابع آب‌های سطحی و نیازهای روزافزون دولت‌ها به بازدهی اقتصادی آب رودها در بخش‌های انرژی، کشاورزی و صنعت زمینه‌ی شکل‌گیری هیدروپلیتیک منفی یا همان ژئوپلیتیک آب را فراهم می‌کنند و از سوی دیگر در صورت عدم استفاده‌ی ابزار، بهره‌برداری عادلانه و حل و فصل موارد اختلافی مربوط به رودها زمینه‌ی تعامل و همگرایی میان کشورها و به عبارتی هیدروپلیتیک مثبت و همکاری را بازتولید می‌کنند.

رودخانه‌ی ارس یکی از منابع آب مشترک ورودی به ایران است که در بستر زمان، تحولات مختلفی را به لحاظ هیدروپلیتیکی پشت سر گذاشته است. از این رو مقاله‌ی حاضر در پی بررسی ماهیت تحولات هیدروپلیتیکی رودخانه‌ی مذکور در طی دو دهه سال گذشته تا به امروز از منظر جغرافیای سیاسی و تاریخی است. برای رسیدن به هدف مذکور، از روش‌های تحلیل اسنادی، تحلیل محتوا و استفاده از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. مطابق یافته‌های پژوهش، حل مسایل مرزی باقیمانده میان ایران و شوروی، بهره‌برداری طرفین از آب رودخانه‌ی ارس، همکاری‌های فنی و اقتصادی بر روی رودخانه، تعیین وضعیت جزایر داخل رودخانه، آخرین همکاری‌های ایران و شوروی بر اساس پروتکل‌های الحاقی سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۳ م. وجوه مثبت هیدروپلیتیک رودخانه‌ی ارس می‌باشد.

### واژگان کلیدی

هیدروپلیتیک، رودخانه‌ی بین‌المللی، خط منصف، جغرافیای تاریخی، رود ارس

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۳. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد جغرافیای سیاسی



## مقدمه

امروزه کارشناسان، اهمیت منابع فرامرزی<sup>۱</sup> را در مطالعه‌ی امنیت زیست‌محیطی<sup>۲</sup> تصدیق می‌کنند. محدودیت‌های محیطی که فراتر از مرزهای ملی هستند، پیش از این شروع به درهم شکستن مرزهای مهم حاکمیت‌های ملی کرده است (Beach, 2000: 62). رودخانه‌های بین‌المللی آب شیرین به عنوان یکی از منابع فرامرزی به دلیل کارکردهای متعددی که دارند، همواره مطرح نظر کشورها بوده است. بر این اساس آب، یک منبع قدرت است و کمبود آب یک معضل استراتژیک و حیاتی برای توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی است که ملت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در پی آن قدرت سیاسی آنها را تهدید می‌کند (دولتیار و گری، ۱۳۸۹: ۴-۴۳). برخی اندیشمندان برای آینده‌ی آب، ارزش و اهمیتی به مراتب بیشتر از نفت قائل می‌شوند. بدون نفت می‌توان زندگی کرد؛ ولی امکان زندگی بدون آب وجود ندارد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۶۴). امروزه رودخانه‌های مرزی و بین‌المللی علاوه بر کارکردهای مختلف سیاسی، دفاعی، نظامی و اقتصادی، یکی از منابع مهم تأمین‌کننده‌ی آب محسوب می‌شوند که در مناسبات سیاسی و دیپلماتیک میان کشورها یک عامل بسیار اثرگذار و نقش‌آفرین محسوب می‌گردد.

در شرایطی که رودخانه‌ها در مرز میان دو یا چند کشور قرار گیرند، مهم‌ترین مسأله‌ی آنها تعیین خط مرزی میان دو کشور از طریق آن رودخانه است و در شرایطی که در داخل چند کشور جاری باشند، مهم‌ترین مسأله نظام بهره‌برداری از آب آن رودهاست (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۴: ۳۷). به بیان بهتر بخش زیادی از مطالعات هیدروپلیتیک، به بررسی و تحلیل وضعیت سیاسی رودخانه‌ها میان کشورها می‌پردازد. کشور ایران با داشتن رودخانه‌های مرزی و بین‌المللی همچون ارس، اترک، اروند، هیرمند، هریرود و غیره، در زمره‌ی کشورهایی است که با مسائل و معضلات هیدروپلیتیکی عدیده‌ای مواجه است. بدین ترتیب مقاله‌ی حاضر ضمن پرداختن به مبانی مربوط به چنین رودخانه‌هایی، به طور مشخص هیدروپلیتیک ارس را مورد بررسی و تدقیق علمی قرار داده است.

## روش تحقیق

از نظر ماهیت و روش تحقیق، پژوهش حاضر مبتنی بر روش تاریخی - تحلیلی است. این تحقیق بر اساس روش‌های اسنادی، تحلیل محتوای اسناد مربوط به معاهدات مرزی، کتابخانه‌ای و اینترنتی به انجام رسیده است. در وهله‌ی نخست، منابع مورد نیاز شناسایی و گردآوری و سپس فیش‌برداری شده و استخراج مطالب مهم و مورد نیاز و در مرحله‌ی پایانی،

1. Transboundary Resources
2. Environmental Security



اطلاعات در راستای روند تحولات هیدروپلیتیکی رودخانه‌ی بین‌المللی ارس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## چارچوب مفهومی و نظری

### اهمیت مرز در جغرافیای سیاسی

مرزهای سیاسی، مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر است. خطوط مرزی، خطوطی اعتباری و قراردادی هستند. خطوطی که سرزمین یک حکومت را از حکومت همسایه جدا می‌کند، به مرزهای بین‌المللی معروفاند. این نوع مرزها در شکل‌دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی میان حکومت‌ها نقش برجسته‌ای به عهده دارند و در میان گونه‌های مختلف مرز، مرز بین‌المللی به دلیل اینکه در آن بیش از سایر گونه‌ها امکان بروز اختلاف و منازعه‌ی سیاسی وجود دارد، اهمیت بیشتری دارد. بنابراین مرزها از مباحث اصلی و مهم جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک به شمار می‌رود (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۱۶۱). خطوط مرزی همچنین نشان‌دهنده‌ی حد نهایی اعمال اراده‌ی سیاسی حکومت و سطح تماس دو نظام سیاسی همجوار می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۳۴). در این باره «مارتین گلاس‌نر» معتقد است که مرز، یک خط<sup>۱</sup> نیست؛ بلکه یک سطح است: یک سطح عمودی<sup>۲</sup> که از طریق فضا، خاک و زیرزمین، دولت‌های همسایه را برش می‌دهد. این سطح در روی زمین به صورت یک خط به نظر می‌آید (Glassner, 2004: 73-5). در ارتباط با کارکرد مرزها، «پرسکات» به کارکردهای نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن اشاره می‌کند (پرسکات، ۱۳۵۸: ۶۰). حافظ‌نیا نیز کارکردهای مرز را شامل موارد جداکنندگی، یک‌پارچه‌سازی، کشمکش و ارتباط می‌داند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۱).

مرز با نقش ماهوی خود که محدودسازی حرکت‌ها و وظایف دولت‌ها در چارچوب جغرافیایی تعریف شده است، نقشی کاملاً استراتژیک در همگرایی‌های ملی و همگن‌سازی و برعکس جدا ساختن ملت‌ها ایفا می‌کند (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۵۶۱). در مجموع تأثیر مرزها بسیار فراتر از کنترل تجارت و حرکت انسان، کالا، حیوان و افکار است و اهمیت بسیار زیادی در گفتمان مربوط به حاکمیت دارد (مویر، ۱۳۷۹: ۲۸۰)؛ یعنی یک حکومت قانوناً مالک سرزمین خود است (حاکمیت)، به واسطه‌ی مرز در جغرافیای سیاسی اقدام به تحدید حدود قلمرو سرزمینی خود می‌کند و به بیان دیگر دست به قلمروسازی<sup>۳</sup> می‌زند (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۴). از این رو در جغرافیای سیاسی سه مفهوم سرزمین، مرز و حاکمیت برای

1. Line

2. Vertical Plane

3. Territoriality



شکل‌دهی به قلمرو<sup>۱</sup> رابطه‌ی تنگاتنگ دارند و اقتدار کشور در داخل و استقلال آن در خارج، به در اختیار داشتن سرزمین بستگی دارد و خطوطی که سرزمین را محصور می‌نماید، مرز نام دارد که با معین کردن قلمرو از نقطه نظر داخلی، باعث تقویت اقتدار و مشخص شدن حدود حیطة‌ی اعمال قدرت کشور است و از نقطه نظر خارجی یک سیستم دفاعی را در مقابل مهاجمان فراهم می‌سازد (ضیایی‌بیگدلی، ۱۳۶۳: ۱۳۴). با عنایت به مطالب پیشین، مشخص کردن مرزها در جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا یکی از منابع تنش‌آفرین در ژئوپلیتیک، اختلافات مرزی به طور عام و اختلافات مرزی سیستم‌های رودخانه‌ای به طور خاص می‌باشد.

آشکارترین محدودیت رودخانه‌ها به عنوان مرزها این است که آب ناپایدار است. پارادوکس ذاتی لحاظ نمودن آب جاری بین دو کشور به عنوان مرز سرزمینی آن است که مجرای آب ضرورتاً موقتی است؛ در حالی که حاکمیت، تداعی‌کننده‌ی مفهوم پایدارتری است (Prescott and Triggs, 2008 : 215).

طول مرزهای ایران، بالغ بر ۸۵۷۴ کیلومتر است (اخباری و نامی، ۱۳۸۹: ۱۸۹) که منطبق بر ده ناحیه‌ی فیزیوگرافیک اصلی، شامل مناطق کوهستانی، کوهپایه‌ای، کویری، باتلاقی، مردابی، رودخانه‌ای، جنگلی، استپی، دریاچه‌ای و دریایی است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲۲). مقاله‌ی حاضر، ناحیه‌ی فیزیوگرافیک رودخانه‌ای در شمال غربی ایران و در امتداد رود مرزی بین‌المللی ارس را مورد بررسی قرار داده است. حال سؤالی که اینجا مطرح می‌گردد این است که مفهوم و تعریف رودخانه‌ی بین‌المللی<sup>۲</sup> چیست؟

### رودخانه‌های بین‌المللی (مفهوم و تعریف)

نظریه‌ی بین‌المللی کردن رودخانه‌ها برای اولین بار توسط «گروتیوس» و «واتل» ابراز گردید و قبل از آن کلیه‌ی رودخانه را داخلی و تحت حاکمیت سرزمینی کشورهای کناره‌ی آن می‌دانستند. همچنان که قبل از کنگره‌ی وین (۱۸۱۵) نیز حاکمیت بر رودها مطلق بود و به منافع سایر دولت‌ها توجه نمی‌شد. در عهدنامه‌ی صلح ورسای (۱۹۱۹) واژه‌ی رودخانه‌های بین‌المللی برای نخستین بار جایگزین واژه‌ی رودهای چندسرزمینی گردید. دو سال بعد در کنفرانس بارسلون (۱۹۲۱) دو ضابطه را در تعریف رودخانه‌ی بین‌المللی برگزیدند: یکی ضابطه‌ی حقوقی یعنی مرزی یا چندسرزمینی بودن و دیگری ضابطه‌ی اقتصادی یا به عبارت دیگر اساساً قابل کشتی‌رانی بودن رود (فرشادگهر، ۱۳۶۷: ۶ - ۵). «شارل روسو» تعریف جامع‌تری نسبت به دیگران در این زمینه ارائه داده است:

1. Territory

2. International River



«در علم و عمل، هر آب جاری عظیم را که قابل کشتی‌رانی باشد و از سرزمین چند کشور عبور کند (رودهای پیاپی) و یا سرزمین آنها را از هم جدا سازد (رودهای همجوار یا مرزی) به طور عام رود بین‌المللی می‌نامند» (روسو، ۱۳۴۷: ۱۵).

عده‌ای از علمای حقوق بین‌الملل، ضابطه قابلیت کشتی‌رانی رودخانه را به عنوان معیاری برای بین‌المللی کردن رودخانه قبول ندارند. زیرا چنانچه رودخانه‌ای قابل کشتی‌رانی نباشد ولی از آن استفاده‌های دیگری چون نیروی برق یا آبیاری بشود، می‌توان رودخانه‌ای بین‌المللی قلمداد کرد. تعریفی که گارستون از رودخانه‌ی بین‌المللی به‌دست داد مؤید دیدگاه مذکور است. وی معتقد است که رودخانه‌ی بین‌المللی رودخانه‌ای است که از سرزمین بیش از یک کشور می‌گذرد و یا رودخانه‌ای است که سرزمین دو کشور را از یکدیگر جدا می‌کند (عباسی کامران، ۱۳۷۳: ۱۶). تعاریف فوق نقطه‌ی مقابل تعریف رودخانه‌ی ملی<sup>۱</sup> است. رودخانه‌ای که سواحل آن کاملاً در داخل سرزمین یک کشور واقع شده باشد و تحت حاکمیت یک کشور باشد مانند سفیدرود. رودخانه‌های بین‌المللی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) رودخانه‌های مرزی که مرز بین دو یا چند کشور را تشکیل می‌دهد (رودخانه همجوار) مانند دانوب، اروندرود و ارس. به بیان دیگر رودخانه‌ای که متصل به سرزمین‌های دو دولت باشد (حی بن یقظان، ۱۳۶۴: ۱۵۲).

ب) رودخانه‌هایی که از خاک (میان) دو یا چند کشور عبور می‌کنند (رودخانه پیاپی) مانند نیل، راین و ارس.

مهم‌ترین مشخصات رودخانه‌های بین‌المللی عبارتند از:

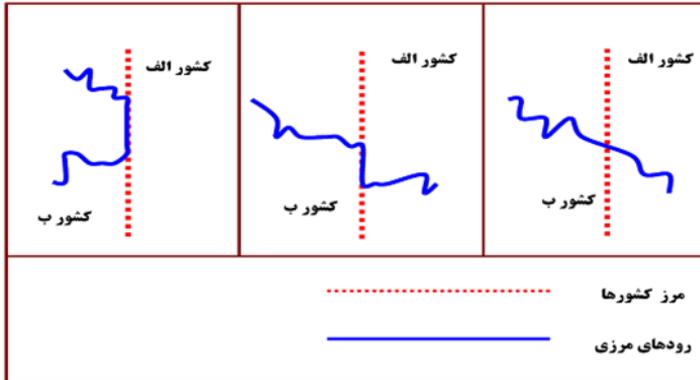
۱- از میان (داخل) سرزمین دو یا چند کشور جاری می‌شود؛ ۲. در جوار (کنار) سرزمین دو یا چند کشور جاری می‌شود (مرزی و چندسرزمینی بودن)؛ ۳. اهمیت اقتصادی اعم از قابلیت کشتی‌رانی، کارکرد هیدروالکتریکی و مقاصد آبیاری داشته باشد؛ ۴. رودخانه در حوزه‌ی حاکمیت قانونی چند کشور قرار داشته باشد. بنابراین از دیدگاه جغرافیای سیاسی اگر چنانچه تمام یا بخشی از قلمرو رودخانه اعم از بستر، سطح و فضای بالای آن تحت نظارت و اعمال حاکمیت قانونی بیش از یک کشور (دولت سرزمینی) قرار بگیرد رودخانه‌ی بین‌المللی اطلاق می‌گردد.

در حال حاضر بیش از ۱۵۰ رودخانه‌ی بزرگ از خاک چند کشور عبور می‌کند و بیش از نیمی از مناطق مسکونی جهان از آب رودخانه‌ها برخوردار می‌شوند (فرشادگهر، ۱۳۶۷: ۶). در بین ۲۶۳ رودخانه‌ی مرزی که تقریباً نیمی از جهان را پوشش می‌دهد، همکاری، بیشتر از منازعه و درگیری بوده است (زرقانی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱). این تعدد آماری مبتنی گونه‌شناسی مختلف رودخانه‌های بین‌المللی است که در شکل شماره (۱) نمایش داده

شده است



شکل شماره (۱) انواع رودخانه‌های بین‌المللی



منبع: (زرقانی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۲ : ۳)

از نظر جغرافیای سیاسی و نیز حقوق، رودخانه‌ی ارس در عین حال که یک رودخانه‌ی مرزی بین‌المللی است، یک رودخانه‌ی پیاپی نیز می‌باشد. این رودخانه از ترکیه سرچشمه می‌گیرد و پس از طی ۴۴۰ کیلومتر در این کشور حدود ۱۲۰ کیلومتر در مرز مشترک ارمنستان و ترکیه جاری بوده و سپس بعد از ورود به منطقه‌ی ثلاثه وارد مرز ایران و آذربایجان (جمهوری خودمختار نخجوان) شده و پس از طی مسافتی، مرز مشترک ایران و ارمنستان را به طول ۴۵ کیلومتر تشکیل می‌دهد و پس از آن مجدداً خط مرزی ایران و جمهوری آذربایجان می‌باشد و بالاخره پس از طی ۶۲ کیلومتر در خاک جمهوری آذربایجان به رودخانه‌ی کورا می‌پیوندد و در نهایت به خزر می‌ریزد. پس ارس دقیقاً تحت حوزه‌ی حاکمیتی چهار کشور قرار دارد و هر کشور در راستای تأمین منافع ملی خود درصد بهره‌برداری بیشتر و بهتر از این رودخانه بوده‌اند، هستند و خواهند بود.

### اصول ترسیم مرزهای رودخانه‌ای

کارشناسان و دست‌اندرکاران مرزگزینی، شیوه‌های متعددی را برای تعیین دقیق مرز رودخانه‌ها به کار می‌برند که عبارتند از:

۱. میانه جغرافیایی یک رودخانه یا خط مرکزی آب<sup>۱</sup> [خط منصف]؛
۲. میانه آبراهه یا خط تالوگ<sup>۲</sup>؛
۳. ساحل رودخانه<sup>۳</sup> (Prescott and Triggs, 2008 : 216)

1. Geographic Middle of the River or medium filum aquae

2. Middle of the Channel or Thalweg

3. Shore or Bank of the River



- انتخاب ساحل رودخانه به عنوان مرز خود به دو شکل متفاوت مطرح می‌گردد:
- ۱-۳. شیوه‌ی تعیین مرز در یک کرانه‌ی رودخانه. در این روش حد جزر یا حد مد آب رودخانه بنا به توافق طرفین در کرانه‌ی یک کشور به عنوان خط مرز تعیین می‌شود و بدین ترتیب حق بهره‌برداری از رودخانه به دولت مقابل داده می‌شود و رودخانه تحت حاکمیت یک کشور درمی‌آید.
  - ۲-۳. شیوه‌ی تعیین مرز در دو ساحل رودخانه. در این روش دو دولت توافق می‌کنند که کرانه‌ی خود را در هنگام جزر یا مد آب به عنوان خط مرز بپذیرند. در این صورت رودخانه مورد بهره‌برداری مشترک و نیز تحت حاکمیت مشترک دو کشور است.
  ۴. تعیین خط مرزی بر اساس روش‌های ترکیبی؛
  ۵. کندن و آکندن<sup>۱</sup> آربایش خاک و افزایش خاک.

بدین ترتیب علاوه بر چهار روش اصلی تعیین محل مرزهای رودخانه‌ای، حقوق بین‌الملل در جایی که رودخانه‌ها مسیر خود را تغییر می‌دهند از مقررات ویژه‌ای استفاده می‌کند؛ چرا که رودخانه‌ها مستعد تغییر مسیر هستند. اگر تغییرات حاصل از کندن (ربایش) خاک ساحلی، سریع باشد، مرز ثابت می‌ماند؛ در صورتی که روند تغییر به وسیله آکندن (افزودگی) خاک ساحلی کند و تدریجی باشد، مرز هم مطابق با آن تغییر می‌یابد. با این حال اصول مربوط به کندن و آکندن خاک ساحلی، تمامی مشکلات و موانع قانونی را که از تغییرات سریع یا کند در رودخانه‌ها به وجود می‌آید، مرتفع نمی‌کند (Prescott and Triggs, 2008 : 219).

از شیوه‌های ذکر شده در تعیین مرز در رودخانه‌های مرزی بین‌المللی، شیوه‌ی تعیین مرز در رودخانه‌ی ارس بر اساس «خط منصف»<sup>۲</sup> یا «وسط‌المیاه» می‌باشد. خط منصف خطی است که فاصله‌ی هر نقطه از آن تا نزدیک‌ترین نقاط دو طرف ساحل به یک اندازه باشد (آقایی، ۱۳۸۴: ۱۲۷). این خط مفهومی در ارتباط با سطح افقی آب دارد. قاعده‌ی خط منصف را در گذشته در مورد تمام رودخانه‌های مرزی قابل کشتی‌رانی و غیرقابل کشتی‌رانی به کار می‌بردند. لیکن در حال حاضر این شیوه در مورد تقسیم رودخانه‌های مرزی غیرقابل کشتی‌رانی و نیز دریاچه‌های مرزی اعمال می‌شود. این شیوه معایب و مزایای خاص خودش را دارد. مزایای این روش به طور خلاصه عبارتند از:

۱. یک نوع عدالت بدیهی در استفاده و بهره‌برداری از آب رودخانه‌های غیرقابل کشتی‌رانی به حساب می‌آید؛ ۲. خط منصف «خط مرزی» آشکار و مشخصی است؛ در حالی که خط تالوگ در حقیقت «منطقه‌ی مرزی» می‌باشد؛ ۳. خط منصف را برخلاف خط تالوگ به سهولت می‌توان تعیین کرد؛ ۴. خط منصف بالطبع پایدارتر از خط تالوگ است (فرشادگهر، ۱۳۶۷: ۱۷).



بزرگ‌ترین اشکال این روش آن است که در مواقع طغیان، به دلیل تغییرات حجم آب یک رودخانه در فصول مختلف، بایستی فاکتور جزر و مد رودخانه را در نظر گرفت؛ چرا که در فصول کم‌آبی بر میزان وسعت اراضی کشور افزوده می‌شود و در مواقع پرآبی از میزان آن کاسته می‌شود که در این صورت خط مرزی را بایستی دائماً تغییر داد. باید متذکر شد که هرگاه دگرگونی جغرافیایی سبب تغییر مسیر رودخانه شود؛ درست است که خط منصف به کلی از بین می‌رود؛ ولی طبیعی است که بنا به عرف بین‌الملل در چنین حالتی مرز تغییر نمی‌کند و همان مرز پیشین معتبر است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۳۸) و به عبارتی خط مرزی همان خط منصف سابق است و این به ضرر دولت‌هاست. به همین دلیل در برخی موارد در عهدنامه ذکر می‌شود که چنانچه رودخانه تغییر بستر داد میانگین خط منصف جدید و پیشین، خط مرزی است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۸۳).

### دکترین‌های بهره‌بردی از آب رودخانه‌های بین‌المللی

در تمام قرن بیستم و سال‌های آغازین قرن بیست و یکم، محاکم قضایی بین‌المللی اصولی را برای تخصیص منابع مشترک آب وضع نمودند که به موجب آنها، بهره‌برداری از منابع آب، معقول و مساوی باشد و الزام به عدم وارد نمودن لطمات وسیع به محیط‌زیست مد نظر قرار گیرد (Prescott and Triggs, 2008 : 215). بدین ترتیب قوانین وضع شده در حقوق بین‌الملل به‌ویژه در زمینه‌ی رودهای بین‌المللی و میزان تبعیت کشورها از اصول و مبانی قوانین مزبور بر مسیر و روند تحولات هیدروپلیتیکی کشورها تأثیرگذار است. از این رو در این بخش ضروری است که نظرات علمای حقوق بین‌الملل در مورد صلاحیت کشورها نسبت به رودخانه‌های بین‌المللی بیان گردد. علمای حقوق چهار دکترین را در مورد بهره‌برداری از آب رودخانه‌های بین‌المللی طرح کرده‌اند که عبارتند از:

۱. دکترین حاکمیت سرزمینی مطلق: به موجب این اصل، آن قسمت از رود بین‌المللی که در سرزمین دو کشور جریان دارد، به عنوان آب‌های داخلی تلقی می‌شود و دولت مذکور می‌تواند جریان آب را منحرف سازد و یا به هر صورت که ضروری بداند در رودخانه دخالت نماید (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۷۳). این نظریه مورد علاقه‌ی کشورهای است که فراز [بالادست] رودخانه‌های بین‌المللی در آن قرار گرفته است و تمایل دارند با آزادی هر چه تمامتر بیشترین بهره‌وری را از آب رودخانه داشته باشند. در مقابل، کشورهای پایین‌دست رودخانه این روش را غیرمنصفانه تلقی می‌کنند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۳۹).

این اصل برخلاف عدالت و انصاف بوده و به همین جهت مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است. «فوشیل» به تفصیل این مسئله را مورد بررسی قرار داده و تأکید کرده است که



کشور ساحلی رودخانه نمی‌تواند به اقدامی مبادرت کند که منجر به تغییر مسیر رود شود و یا در جریان آزاد آب رودخانه مانعی به وجود آورد. وی در این مورد می‌گوید: «هیچ کشور ساحلی نمی‌تواند محل ورود رود را به سرزمین کشور ساحلی دیگر بدون رضایت آن کشور تغییر دهد. چنین امری به منزله‌ی تغییر سرزمین آن کشور است.» «لاتریاقت» نیز همین نظر را دارد و هر چند حقوق حاکمیت هر کشور را در حوضه‌ی رودخانه در داخل سرزمین خود تأیید می‌کند؛ ولی هرگونه اقدامی را که موجب وارد شدن خسارات به کشورهای ساحلی دیگر رودخانه شود، غیرقانونی می‌شمارد. او در این مورد به صراحت اظهار می‌دارد: «جریان رودهای بین‌المللی تحت تسلط و اختیار دلخواه هیچ یک از دولت‌های ساحلی رودخانه نیست و بر اساس اصول حقوق بین‌الملل، هیچ دولتی اجازه ندارد که وضع طبیعی سرزمین خود را به زیان وضع طبیعی سرزمین دولت همسایه تغییر دهد. به این دلیل، دولت‌ها نه فقط از متوقف ساختن یا تغییر دادن مسیر رودی که از سرزمین آنها به اراضی دولت همسایه جاری است مجاز نیستند، بلکه استفاده از آب آن به نحوی که برای دولت همجوار زیان داشته باشد یا مانع بهره‌برداری از رودخانه شود، غیرقانونی است» (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۷۴).

۲. دکترین تمامیت ارضی مطلق: بر اساس این اصل، دولت‌ها نباید مانعی برای جریان آزاد رودخانه در درون سرزمین خود ایجاد کنند و باید اجازه دهند رودخانه آزادانه و بدون هیچ مانعی جریان خود را تا آخر طی کند. این دکترین عمده‌تاً مورد توجه دولت‌های پایین دست رودخانه‌ها می‌باشد (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۳۹). به عبارتی به موجب این اصل، دول ساحلی رودخانه‌ها موظفند که اجازه دهند «جریان طبیعی آب رودخانه‌ها» ادامه یابد و به هیچ وجه حق ندارند موجبات انحراف آب رودخانه‌ها را فراهم نمایند (گنجی، ۱۳۴۸: ۲۵۲). «اوپنهایم» در این مورد به طور مشخص می‌نویسد: «تغییر دادن جریان آب‌های مشترک تحت اختیار یکی از دول مجاور مجاز نیست. زیرا این یک قاعده بین‌المللی است که هیچ دولتی نمی‌تواند وضع طبیعی کشور خود را به نحوی تغییر دهد که موجب زیان کشور مجاور شود. مثلاً جریان آب رودخانه‌ای را که در کشور همسایه جریان دارد متوقف و یا منحرف نماید» (McCaffrey, 2001 : 475).

۳. دکترین مالکیت مشترک و مشاع از آب‌ها: به موجب این اصل، کشورهایی که در ساحل یک رودخانه بین‌المللی واقع شده‌اند، نسبت به آن رودخانه دارای حق حاکمیت مشترک هستند. به عبارت دیگر تمام کشورهای مذکور می‌توانند از آب رودخانه به طور متساوی استفاده کنند. براساس این اصل، یک رودخانه‌ی بین‌المللی - بدون توجه به مرزهای مابین کشورها - یک واحد اقتصادی محسوب شده و آب آن متعلق به تمام کشورهای ساحلی

1. The Principle of Absolute Territorial Integrity
2. The Principle of a Community in Waters



است. «مریگ‌ناک» در این مورد معتقد است وقتی که رودی بین‌المللی از سرزمین چند کشور می‌گذرد، تابع حقوق مالکیت و حاکمیت کشورهای مذکور است و هر کشوری در اعمال حقوق خود، باید حقوق سایر کشورها را نیز در نظر داشته باشد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۷۵). در این اصل به دولت‌های محل‌گذر یک رودخانه‌ی بین‌المللی توصیه می‌شود سازمان مشترکی را برای بهره‌برداری منصفانه از آب رودخانه تشکیل دهند به نحوی که رودخانه تحت حاکمیت هیچ کشوری نباشد و از سرچشمه تا انتها به صورت مشاع باشد (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۴۰).

۴. دکتربین محدودیت استفاده‌ی آزاد از آب‌ها: به موجب این اصل، حاکمیت هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه با توجه به وظایفی که آنها طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند، محدود است. به عبارت دیگر، حاکمیت هر یک از کشورهای ساحلی رودخانه محدود به وارد نکردن خسارت به کشور ساحلی دیگر است. مطابق این دکتربین، حاکمیت کشورها بر آن قسمت از رودخانه که از سرزمین آنها می‌گذرد وجود دارد، اما محدودیت‌هایی از نظر استفاده از آب در خصوص کشتی‌رانی، آبیاری، تولید برق و سایر استفاده‌ها دارد که بر اساس عدم خسارت به کشور یا کشورهای دیگر تعیین می‌گردد (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۴۰).

«اسمیت» حقوقدان انگلیسی که تحقیقات گسترده‌ای در این مورد انجام داده معتقد است که حاکمیت و صلاحیت ملل، محدود به وارد نیابردن خسارت می‌باشد. وی اظهار می‌دارد که هیچ‌یک از دول ساحلی رودخانه، حق ندارند از آب رودخانه بدون مشورت با دول مجاور به طریقی استفاده کنند که موجب وارد آمدن خسارت به منافع قانونی دول مذکور گردد. از منظر حقوق بین‌الملل دولت‌ها هیچ‌گونه دخالتی در پیدایش رودها نداشته‌اند و بنابراین نمی‌توانند بر آن حاکمیت مطلق داشته باشند و با تغییر مسیر آن موجبات وارد کردن ضرر و خسارت به دول دیگر را فراهم آورند. امروزه اصل محدودیت استفاده‌ی آزاد از آب‌ها به عنوان یک اصل کلی حقوقی و یک واقعیت جهان کنونی پذیرفته شده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۷۵). در برخی از منابع از این اصل تحت عنوان «دکتربین حاکمیت محدود سرزمین» نیز نام می‌برند.

### ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک

علاقه‌ی فزاینده‌ی دانشمندان علوم اجتماعی به مسائل محیطی، منعکس‌کننده‌ی امر دیرینه‌ی ارتباط بین محیط و انسان است که در روابط بین‌الملل موقعیت ژئوپلیتیکی کشورها و پدیده‌های طبیعی و انسانی داخل آنها اگر تعیین‌کننده‌ی رفتار سیاسی نباشد، بدون شک آن را مقید می‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۵ - ۱۳۴). «کتلین برادن و فرد شلی» معتقدند ژئوپلیتیک مطالعه‌ی روابط و کشمکش‌های بین‌المللی از دیدگاه جغرافیایی است. بر اساس



این دیدگاه جغرافیایی، موقعیت، مسافت و توزیع منابع انسانی و طبیعی، تأثیرات قابل توجهی بر روابط بین‌الملل دارند (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۱۵). بر اساس این تعریف، رودخانه‌های بین‌المللی به عنوان یک منبع طبیعی و نیز وضعیت امتداد و کیفیت بهره‌برداری از آنها بر چشم‌انداز جغرافیایی روابط بین‌المللی کشورهای دارنده‌ی چنین رودخانه‌هایی تأثیر می‌گذارد. مطابق تعریف دیگری، ژئوپلیتیک عبارت است از «علم مطالعه‌ی روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر». در این تعریف که جغرافیا در سه حوزه‌ی فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است، ویژگی‌ها و عوامل محیط طبیعی نظیر موقعیت، الگوی اثربخش منابع، اقلیم، منابع آب و ... مورد توجه می‌باشد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۸ - ۳۷). «ایولاکوست» درباره‌ی این مفهوم می‌نویسد: «من چیزی را ژئوپلیتیک می‌نامم که با رقابت و تقابل قدرت بر روی (و برای) سرزمین مرتبط باشد» (لاکوست و ژیلبن، ۱۳۷۸: ۱۵). در مجموع ژئوپلیتیک مبحثی گسترده و مادر است که در روند مطالعه و بر حسب دیدگاه‌های گوناگون مطالعه، نیم‌بیکر واژه‌ای آن به صورت پیشوند «ژئو» در برابر دیدگاه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی درآمده و مباحث نوینی را رهبری می‌کند. در حال حاضر متداول‌ترین دیدگاه‌ها در این راستا علاوه بر مباحث «ژئواکونومیک»، «ژئواستراتژیک»، «ژئوکالچر»، دیدگاه و رویکرد «هیدروپلیتیک» است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

کمبود رو به تزاید آب و منافع مشترک دولت‌ها بر سر آب‌های بین‌المللی نظیر رودخانه‌ها سبب گردیده که آب به عنوان عاملی تعیین کننده در سیاست بین‌المللی روابط دولت‌ها با یکدیگر به ایفای نقش پردازد. به طوری که آب امروزه به صورت یک ماده‌ی رقابتی و مطلوب وارد عرصه‌ی مناسبات و مناقشات دولت‌ها شده است (حافظنیا و نیکبخت، ۱۳۸۱: ۴۹). از همین روست که منابع آب (مانند رودخانه‌ها) غالباً به عنوان یک مشکل امنیتی در سطح ملی و بین‌المللی تلقی می‌شود؛ چرا که در بسیاری از کشورها مدیریت منابع آب، رقابت شدیدی را برای سلطه و نظارت بر منابع آبی فراملی ایجاد کرده است (عزتی، ۱۳۸۴: ۳۱۹).

اصطلاح هیدروژئوپلیتیک دقیقاً بر نقش فزاینده‌ی منابع آب به‌ویژه رودخانه‌ها به یک عامل ژئوپلیتیک دلالت می‌کند (ناجی، بی تا: ۲۰۴). سیاست آب (هیدروپلیتیک) علم بررسی آب به عنوان یک عنصر طبیعی و عملکردهای سیاسی آن تعریف شده است (رحمانی، ۱۳۷۴: ۱۹۹). بنابراین ژئوپلیتیک آب به مطالعه‌ی نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد اعم از اینکه در داخل کشورها و یا بین آنها و دارای ابعاد فراقشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). شقوق هیدروپلیتیک عبارت است از: هیدروپلیتیک مثبت (همکاری) و هیدروپلیتیک منفی (تنش‌زا) (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۲).



## متغیرهای سه‌گانه‌ی قدرت، اقتصاد و طبیعت، در مرزگزینی رودخانه‌ها

نکته‌ی بسیار مهم در شیوه‌ی تعیین مرز رودخانه‌های بین‌المللی، متغیرهای تأثیرگذار است. سه متغیر اساسی قدرت (ژئوپلیتیک)، مقاصد اقتصادی (جغرافیای اقتصادی)، ساخت طبیعی رودخانه (جغرافیای طبیعی رودخانه)، در گزینش شیوه‌ی مرز رودخانه‌های بین‌المللی از میان شیوه‌های چهارگانه‌ی مطرح در مبحث قبلی نقش بسزایی دارند. به عنوان مثال اگر به لحاظ ژئوپلیتیکی، یک کشور قدرت ملی بالایی داشته باشد و همچنین از نظرگاه جغرافیای اقتصادی کشورش، کارکرد کشتی‌رانی را در اولویت قرار دهد و جغرافیای طبیعی رودخانه نیز تا حدودی مساعد برای کشتی‌رانی باشد، در مقام مقایسه با واحد سیاسی همجوار خود که قدرت ملی پایین‌تری دارد و به لحاظ جغرافیای اقتصادی کارکرد ماهیگیری و کشاورزی را مد نظر قرار داده است، در انتخاب شیوه یا قاعده‌ی تعیین مرز رودخانه، اعمال سلطه و قدرت خواهد نمود. بدین صورت که کشور اولی خط تالوگ را شیوه‌ی مناسبی برای تعیین مرز انتخاب و کشور ضعیف خط منصف را به منظور تساوی در بهره‌برداری کشاورزی و ماهیگیری گزینش می‌کند.

بنابراین عدم تقارن قدرت سیاسی در بین کشورهای یک حوضه‌ی مشترک، نقش زیادی در مناسبات میان کشورهای حوضه دارد و از این پدیده تحت عنوان «هیدروهمژمون» یاد می‌شود. هیدروهمژمون وضعیتی است که در آن کشور قدرتمند نسبت به سهم خود، مقدار بیشتری از آب استفاده می‌کند. وضعیت هیدروهمژمونی بیشتر مربوط به قدرت سیاسی و اقتصادی یک کشور است تا این که مربوط به موقعیت بالادستی یا پایین‌دستی باشد (زرقانی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۲: ۵). دقیقاً اینجاست که هر کشوری با توجه به قدرت سلسله‌مراتبی ژئوپلیتیکی‌اش و نیز به دلیل داشتن منافع سیاسی، اقتصادی و استراتژیکی متضاد نسبت به سایر کشورهای ساحلی رودخانه‌های بین‌المللی با یکدیگر وارد منازعه می‌شوند و به عبارت دقیق‌تر وارد چالش‌های ژئوپلیتیکی به معنای عام و هیدروپلیتیکی به معنای خاص می‌گردند.

### یافته‌های تحقیق

با عنایت به مباحث نظری، اولاً رودخانه‌ی ارس جزو رودخانه‌های مرزی یا همجوار و بین‌المللی محسوب می‌شود؛ به طوری که چهار واحد سیاسی مستقل ایران، ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان با توجه به کارکردهای متعدّد رودخانه‌ی مزبور، به دنبال منافع خاص، مشترک و متداخل خودشان هستند و از این رو دو موضوع آب و سیاست، یکسری منازعات و مناقشات (هیدروپلیتیک منفی) و مناسبات و همکاری‌ها (هیدروپلیتیک مثبت) را در بین دولت‌های ساحلی رودخانه‌ی مزبور سبب شده است. در این بخش از مقاله با رویکرد فوق، وضعیت هیدروپلیتیکی رودخانه‌ی ارس در منطقه‌ی مرزی شمال‌غرب ایران مورد بررسی قرار



می‌گیرد. در راستای شناخت دقیق‌تر و بهتر مسائل هیدروپلیتیکی رودخانه‌ی ارس در وهله‌ی اول بایستی مکان یا فضای جغرافیای رودخانه مورد شناسایی قرار گیرد.

مکان‌ها، محل ترکیب انسان و نظامی طبیعی هستند (جانستون، ۱۳۷۹: ۹) بر این اساس هر مکان و یا فضای جغرافیایی دارای محتوایی است که از عوامل و اجزای ساختاری گوناگونی تشکیل شده است. این عناصر و اجزا با هم جفت و جور شده و ساختار مکان یا فضا را شکل می‌دهند و نیز مرگب از عوامل طبیعی، انسانی و محیطی می‌باشند که با یکدیگر رابطه‌ی نظام‌یافته و داده و ستاده دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۶۲). جغرافیای طبیعی و انسانی سیستم رودخانه‌ی ارس در برگزیده‌ی اختصاصات نظام طبیعی و انسانی می‌باشد که تک‌تک عناصر مکان مانند شعبات، جزایر، حوضه‌ی آبریز، سواحل، بستر رودخانه، سد‌ها، نهرها، وضعیت آبیاری، میزان بهره‌برداری و غیره بر هیدروپلیتیک رودخانه‌ی مذکور اثرگذار می‌باشد.

### جغرافیای طبیعی رودخانه‌ی ارس

رودخانه‌ی ارس از دو شاخه‌ی مجزا سرچشمه می‌گیرد: یکی از ارتفاعات ترکیه موسوم به «مین گوئل داغ» به ارتفاع ۳۱۵۲ متر در جنوب ارزروم - نزدیک سرچشمه رود فرات - سرچشمه می‌گیرد؛ ابتدا به طرف شمال‌غرب و سپس به طرف شمال‌شرق جریان می‌یابد و پس از گذشتن از مشرق «حسن قلعه» به طرف شرق جاری می‌شود و از جنوب ارتفاعات قارص و شمال کوه‌های آرارات بزرگ با جذب شاخه‌های متعددی جریان پیدا می‌کند و وارد جلگه‌ی ایروان در خاک ارمنستان می‌گردد. شاخه‌ی دیگر آن از کوه «واردینسکی» قفقاز سرچشمه می‌گیرد. این دو شاخه در محلی معروف به زنگنه در منتهی‌الیه شمال‌غربی ایران، مرز مشترک ایران، جمهوری ارمنستان و ترکیه را تشکیل می‌دهد. از آن پس و پس از پیوستن به رودخانه‌ی آرپاجای، رودخانه‌ی ارس مرز مشترک ایران، ارمنستان و جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد (حافظ‌زاده، ۱۳۷۴: ۱)

نقشه شماره (۱) طول ۱۰۷۲ کیلومتری رود ارس از سرچشمه تا مصب



Source: (<http://ookaboo.com>)

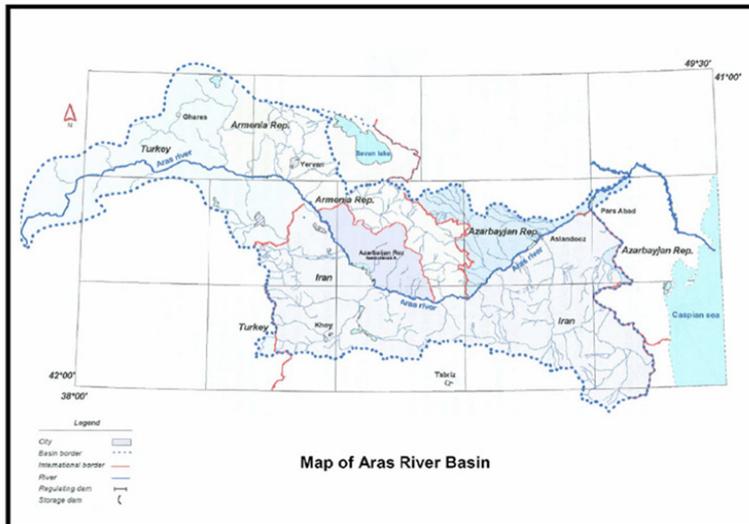


رود ارس از محل دیم قشلاق تا محل پیوستن آق‌چای به ارس، حدود ۱۳۵ کیلومتر میان آذربایجان غربی و جمهوری خودمختار نخجوان جاری است (زنده‌دل، ۱۳۷۶: ۵۱) و بقیه‌ی ۳۴۰ کیلومتر طول رود ارس، مرز استان‌های آذربایجان شرقی و اردبیل را با کشورهای آذربایجان و ارمنستان تشکیل می‌دهد. طول مرز ایران (آذربایجان شرقی) و ارمنستان حدود ۴۵ کیلومتر می‌باشد.

امروزه مرز مشترک ایران و جمهوری آذربایجان از محل تلاقی رودخانه‌ی ارس و قره‌سو (نقطه‌ی التقای مرز مشترک ایران، ترکیه و آذربایجان)، میله‌ی مرزی سه‌جانبه‌ی شماره ۱ شروع و به صورت ناپیوسته تا مصب رودخانه‌ی آستاراچای در دریای خزر امتداد دارد. همچنین مرز مشترک ایران و ارمنستان از میله‌ی مرزی ۲۹/۳ شروع و تا میله‌ی مرزی ۳۵ کشیده می‌شود (حافظنیا و رحیمی، ۱۳۸۴: ۴).

حوضه‌ی آبریز ارس در چهار کشور مذکور وسعتی معادل ۱۰۲ هزار کیلومتر مربع است که ۳۸ درصد آن در جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، ۲۳ درصد در خاک ترکیه و ۳۹ درصد حوضه‌ی آبریز در قلمرو ایران واقع می‌باشد که معادل ۳۸۶۵۲ کیلومتر مربع است (افشین، ۱۳۷۳: ۴۰).

نقشه شماره (۲) حوضه آبریز رودخانه ارس



Source: (UN, 2006: 3)

طول رودخانه‌ی ارس ۱۰۷۲ کیلومتر است که ۴۷۵ کیلومتر مرز مشترک ایران با همسایگان شمالی‌اش را تشکیل می‌دهد (جعفری، ۱۳۷۴: ۳) به جهت این که ارتفاع رود ارس از مبدأ تا محل اتصال به رود کورا در خاک جمهوری آذربایجان ۷۷۸ متر شیب دارد؛



یعنی در «آرتا گزاستا» ارتفاع آن ۸۹۰ متر و در کورا ۱۲ متر است، قابل کشتیرانی نیست (خاماچی، ۱۳۷۰: ۱۸۱). علاوه بر شیب تند بستر، عواملی همچون سرعت جریان آب، وجود دره‌های عمیق در معرض فرسایش جریان‌های سیلابی قرار دارد. اختلاف بین ابتدا و انتهای رودخانه‌ی ارس در طول مرز ایران ۷۵۰ متر در فاصله‌ای به طول ۴۷۵ کیلومتر است و شیب متوسط آن ۰/۵ متر در هر کیلومتر می‌باشد که موجب پیدایش پیچ و خم با دامنه‌ی وسیع شده و در نهایت فرسایش بخش‌هایی از کناره‌ی رودخانه را پدید می‌آورد (جاماب، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۱).

۱۲ درصد آب رودخانه‌ی ارس از خاک ایران، ۳۴ درصد از خاک ترکیه و ۵۴ درصد از خاک آذربایجان و ارمنستان تأمین می‌گردد. شهرهای بازرگان، ماکو، پلدشت، خوی، مرند، جلفا، اهر، مشکین‌شهر، اردبیل، گرمی، اصلاندوز و پارس‌آباد در این حوضه قرار دارند.

ارس بر پایه‌ی جریان آب به دو قسمت کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم می‌شود. آن بخش که از ترکیه می‌گذرد کاملاً کوهستانی است. در جلگه‌ی آرات از سرعت آن کاسته می‌شود و در حدود جلفا تا اندازه‌ی آرام است؛ ولی از جلفا تا حدود اصلاندوز از معبری کوهستانی می‌گذرد و دوباره سرعت می‌گیرد تا به جلگه‌ی مغان برسد. در این منطقه باز از سرعت آب کاسته می‌شود.

عرض رودخانه‌ی ارس متغیر است. در بخش سفلی در محل پیوند با قره‌سو یا دره‌رود، عرض آن گاه به ۲۰۰ متر، در نزدیکی پلدشت به حدود ۱۰۰ - ۹۰ متر می‌رسد، ولی در مناطق کوهستانی تنگ می‌شود و در تنگ‌ترین مجرای خود در نزدیکی روستای قولان از محل دیزمار قره‌داغ به ۱۰ متر می‌رسد. عمق متوسط ارس حدود ۲/۵ متر است ولی در برخی جاها به ۴ متر هم می‌رسد و گاه از نیم متر هم تجاوز نمی‌کند. حداقل دبی رود در محل سد ارس (منطقه قشلاق) ۳۲ متر مکعب در ثانیه و در محل سد انحرافی میل و مغان، ۱۸۰ متر مکعب در ثانیه و دبی متوسط آن در حدود ۲۵۰ متر مکعب در ثانیه در محل سد ارس و حدود ۴۰۰ متر مکعب در محل سد انحرافی میل و مغان است (هویدا، ۱۳۵۰: ۶ - ۵). سرشاخه‌های عمده‌ی ارس قبل از رسیدن به مرز عبارتند از:

قره‌سو از ترکیه، ودی، زنگلان، آخوریان و گارنی از ارمنستان، آرپاچای، نخجوان، گیلیان، اوخچی و ورتان، از جمهوری آذربایجان (از ساحل چپ) و رودهای ساری‌سو، زنگمار، قطورچای، حاجیلرچای، دره‌رود، نمین‌چای، نوزچای، سلین‌چای و ... از ساحل راست و از خاک ایران به آن وارد می‌شوند.

در رود ارس ۸۰۵ جزیره‌ی بزرگ و کوچک وجود دارد که ۴۲۷ جزیره‌ی آن متعلق به ایران است. این جزیره‌ها به هنگام طغیان رود به زیر آب می‌روند و پس از فروکش کردن آب



دوباره ظاهر می‌شوند (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵: ۵۶۵). تعداد ۳۷۸ جزیره نیز با توجه به عبور خط مرز از رودخانه‌ی ارس، به همسایگان شمالی ایران تعلق دارد.  
عکس شماره (۱) نمونه‌ای از جزایر وسط رود ارس



Source: (<http://en.wikipedia.org>)

### نگرشی تاریخی بر هیدروپلیتیک رودخانه‌ی ارس

واقع شدن در وضعیت فرودست یا فرادست برخی حوضه‌های آبریز مرزی، سبب ظهور هیدروپلیتیک رودهای مرزی در ایران اعم از هیدروپلیتیک مثبت و منفی شده است. ارس مهم‌ترین رودخانه‌ی حوضه‌ی آبریز شمال غرب ایران محسوب می‌شود که روزگاری به عنوان رود داخلی محسوب می‌شد که در اثر سیاست‌های توسعه‌ی ارضی روس‌ها، بخش‌هایی از حوضه‌ی آبریز آن از ایران جدا گشته و تبدیل به رود مرزی شده است و پس از فروپاشی شوروی به عنوان رود مرزی بین ایران، جمهوری آذربایجان و ارمنستان نقش‌آفرینی می‌کند. از منظر تاریخی، مسائل و تحولات هیدروپلیتیکی رودخانه‌ی ارس به سه مرحله‌ی کاملاً متفاوت تقسیم‌بندی می‌شود: در مرحله‌ی اول رودخانه تحت حاکمیت دوگانه‌ی ایران و حکومت عثمانی بود و تمام رود بعد از مرز مشترک ایران و عثمانی در داخل قلمرو ملی ایران جریان داشت و از طریق خاک ایران به دریای خزر سرازیر می‌شد. در مرحله‌ی دوم پس از جنگ‌های دوم ایران و روسیه و به موجب قرارداد ترکمانچای (۱۸۲۸)، این رودخانه به عنوان مرز ایران و روسیه انتخاب و لذا ارس، رودخانه‌ی مرزی و بین‌المللی میان سه کشور مذکور گردید و در نتیجه، حاکمیت سه‌گانه‌ای بر آن اعمال شد. این دو مرحله به صورت مختصر در ادامه‌ی مقاله تحت عنوان جغرافیای تاریخی رود ارس مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله‌ی سوم با تغییر نقشه‌ی سیاسی جهان و تحولات ژئوپلیتیکی ملهم از فروپاشی اتحاد جماهیر



شوروی (۱۹۹۱) و ایجاد دولت - ملت‌های جدید در قفقاز جنوبی و به طور مشخص جمهوری آذربایجان و ارمنستان، شرایط جدیدی بر منطقه و مرزهای ایران با همسایگان جدید حاکم شد و رودخانه‌ی ارس، مرز بین‌المللی چهار کشور ترکیه، ایران، جمهوری آذربایجان (و جمهوری خودمختار نخجوان) و ارمنستان شد؛ به طوری که در حال حاضر چهار کشور بر آن اعمال حاکمیت دارند و شرایط هیدروپلیتیکی رود ارس، وضعیت بسیار متفاوتی نسبت به گذشته پیدا کرده است.

### جغرافیای تاریخی رودخانه‌ی ارس

رودخانه‌ی ارس در شمال غربی ایران و جنوب منطقه‌ی قفقاز جاری است. منطقه‌ی قفقاز یا به اصطلاح روس‌ها، ماورای قفقاز، در طول تاریخ و قبل از جنگ‌های اول و دوم ایران و روسیه به جز در مقاطع کوتاهی تا جنگ اول و دوم ایران و روسیه تحت حاکمیت ایران بوده و قلمرو شمال غربی ایران را تشکیل می‌داد (بای، ۱۳۸۴ : ۱۶۰). بنابراین از دیدگاه جغرافیای سیاسی، قفقاز جزو سرزمین ملی ایران به حساب می‌آمد و رودخانه‌ی ارس نیز با این که سر منشأ آن در امپراطوری عثمانی بود، لیکن پس از ورود به قلمرو سرزمینی ایران، تحت حاکمیت کامل ایران قرار داشت.

مرزهای قفقاز در اوایل دوره‌ی قاجار شامل مناطق آذربایجان، گرجستان، ارمنستان و نخجوان بود؛ ولی طی دو دور جنگ‌های معروف ایران و روسیه و طی دو قرارداد گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸)، سرزمین قفقاز از ایران جدا شد و بر اساس مفاد فصل چهارم معاهده‌ی ترکمانچای، خط سرحدی و مرزی ایران از محل کوه آغری در سرحد دولت عثمانی و سرچشمه‌ی رود قراسوی سفلی و نقطه‌ی التقای آن با ارس تا مصب رودخانه‌ی آستارا در ساحل غربی خزر تعیین شد که اکنون به عنوان مرز مشترک و بین‌المللی شناخته می‌شود (حافظنیا، ۱۳۸۱ : ۳۱۱). بنابراین بر مبنای فصل ۴ معاهده‌ی ترکمانچای و پروتکل نارساس ۱۸۲۹ م. اساس خط مرزی ایران و روسیه و بعدها ایران و شوروی و در مرحله‌ی اخیر ایران، جمهوری آذربایجان و ارمنستان، رودخانه‌ی ارس بوده است.

### قراردادها و بین‌المللی‌شدن رودخانه‌ی ارس

آب‌های حد فاصل میان کشورها نظیر آب‌های رودخانه‌ای به طور طبیعی جدا کننده‌ی جغرافیای سیاسی کشورها از یکدیگر بوده و همین عامل منشأ تنظیم قراردادهای دو یا چند جانبه بین دولت‌ها بوده است تا زمینه‌ی مناقشات مرزی را کاهش دهد (پاک‌نژاد و فرجی‌راد، ۱۳۸۹ : ۸۱). در ادامه به مهم‌ترین قراردادهای مرزی و نظام حقوقی منشعب از هر یک از آنها درباره‌ی شیوه‌ی تعیین مرز در رودخانه‌ی ارس اشاره می‌شود:



۱. بین‌المللی شدن رودخانه‌ی ارس بر اساس عهدنامه‌ی ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ م. می‌باشد. این عهدنامه که در نتیجه شکست سپاهیان ایران (قاجار) در جنگ دوم ایران و روسیه در ژانویه ۱۸۲۸ م. با حضور مک‌نیل نماینده سفارت انگلیس و میرزا ابولقاسم قائم‌مقام، میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه، عباس میرزا و ژنرال پاسکویچ در قریه‌ی ترکمانچای در ۱۶ فصل و یک معاهده‌ی تجاری و یک صورت مجلس به امضا رسید. ذیلاً قسمتی از فصل چهارم این عهدنامه در خصوص تعیین مرز رود ارس آورده شده است:

«دولتین علیتین معاهدتین عهد و پیمان می‌کنند که برای سرحد فیما بین دو مملکت بدین موجب خط سرحد وضع نمایند. از نقطه سرحدی ممالک عثمانی که خط مستقیم به قلّه‌ی کوه آغری کوچک اقرب است، ابتدا کرده این خط تا به قلّه‌ی آن کوه کشیده شود و از آنجا تا به سرچشمه رودخانه‌ی مشهور قراسوی پائین که از سراسیب جنوبی آغری کوچک جاری است، فرو آمده به متابعت مجرای این رودخانه تا به التقای آن به رودخانه‌ی ارس در مقابل شرور ممتد می‌شود. چون این خط اینجا رسید به متابعت مجرای ارس تا به قلّه‌ی عباس‌آباد می‌آید ...» (اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، ۱۳۷۲: ۳۵ - ۳۳۴).

در این عهدنامه فقط به ذکر نقاط مهم و صرفاً به مجرای رود ارس اشاره می‌شود، بدون این که خط مرزی دقیق بر روی رودخانه و این که از کدام نقطه‌ی ارس خواهد گذشت و یا بدون ذکر و تعیین اینکه آیا خط منصف (وسط المیاه) خط مرزی است یا خیر، به ذکر کلیات اکتفا گردیده است و حتی خط مرزی در برخی از نقاط مبهم و مشکوک می‌گذرد (عباسی کامران، ۱۳۷۳: ۵۹).

۲. یک سال پس از انعقاد عهدنامه‌ی ترکمانچای در سال ۱۸۲۹ م. و در اجرای فصل چهارم عهدنامه، پروتکلی بین دو طرف با عنوان «پروتکل متمم عهدنامه‌ی ترکمانچای» برای تفصیل خط سرحدی و مرز ایران و روسیه از سمت آذربایجان در بایراملو و در کنار ارس در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۸۲۹ م. منعقد گردید. در این پروتکل نیز که مجرای ارس از تلاقی رود قراسوی پایین و تفصیلاً با تعیین تعلق جزایر به هر کدام از دو طرف و بدون این که دقیقاً موضوع مجرای ارس مشخص شود که آیا منظور پروتکل، وسط آب است یا خیر؟ خط سرحدی ایران و روسیه تا مقابل قلعه‌ی عباس‌آباد تعیین و تا حدود بسیار مبهمی مرزبندی گردید. در این پروتکل بدون این که نامی از مهم‌ترین شعبه‌ی رودخانه برده شود، وضعیت جزایر و تعلق آنها به دو طرف رودخانه معین گردیده است. در هیچ جای پروتکل به وسط آب اشاره نشده و این موضوع در حاله‌ای از ابهام و سکوت باقی مانده است و هر جا سخن از سرحد رودخانه باشد، صرفاً به مجرای ارس اکتفا گردیده است (بای، ۱۳۸۴: ۷۱ - ۱۷۰).

۳. پس از انقلاب ۱۹۱۷ م. روسیه، و تشکیل دولت شوروی، برای خاتمه دادن به اختلافات



سرحدی و برقراری روابط حسنه بین دو طرف در قرارداد مودت ۱۹۲۱ م. مقرر گردید کمیسیون‌هایی از طرف دو دولت معین گردد. با این وجود برخی اختلافات کم و بیش باقی ماند. تا این که کمیسیون سیاح - لاورنیتف در سال ۱۳۳۳ ه.ش برابر با ۱۹۵۴ م. از سوی دو طرف تشکیل و موفق به بستن موافقت‌نامه‌ی یازدهم آذر ماه ۱۳۳۳ ه.ش برابر با دوّم دسامبر ۱۹۵۴ م. گردید. این توافق بعداً ملاک عمل کمیسیون مختلط ۱۳۳۵ - ۱۳۳۴ برای تعیین و علامت‌گذاری خط مرزی قرار گرفت (همان: ۱۷۲).

### وجوه هیدروپلیتیک مثبت ارس

با توجه به روند اتفاقات حادث بین کشورهای ساحلی رودخانه که عموماً در موافقت‌نامه‌های دو یا چند جانبه بر حل و فصل آنها تأکید شده است، با نگرشی عمدتاً تاریخی به بررسی تحولات و مسائل هیدروپلیتیک همکاری ارس به واسطه‌ی روش تحلیل محتوا پرداخته شده است.

#### الف. حل مسایل مرزی باقیمانده میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

حل مسایل مرزی باقیمانده از خط مرزی ۱۸۲۹ م. بار دیگر در دوّم دسامبر ۱۹۵۴ م. میان دو دولت ایران و شوروی مورد تأیید قرار گرفت. در ماده‌ی یک این موافقت‌نامه آمده است: «طرفین معظّمین متعاهدین تأیید می‌نمایند که خط مرزی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تمام بقیه طول آن بدون تغییر باقی می‌ماند. ضمناً ناحیه مرزی واقع در ساحل راست رود ارس مقابل دژ عباس‌آباد و همچنین قریه حصار با قلعه زمین آن در خاک ایران می‌ماند و قریه فیروزه و زمین‌های اطراف آن در حدود خاک شوروی باقی می‌ماند». این تصمیمات بیانگر اراده طرفین بر حل مناقشات ارضی و مرزی اطراف ناحیه دژ عباس‌آباد است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

#### ب. بهره‌برداری طرفین (ایران و شوروی) با حقوق مساوی از آب رودخانه‌ی ارس

یکی از ریشه‌های منازعات هیدروپلیتیکی ناشی از مقوله‌ی بهره‌برداری از رودخانه توسط کشورهای همجوار آن می‌باشد. در مورد رودخانه‌ی ارس پس از تعیین آن به عنوان رودخانه‌ی مرزی، اولین موضوعی که مطرح می‌شد، مسأله بهره‌برداری طرفین از آب رودخانه بود. تا سال ۱۹۲۱ م. مقرره‌ای در این خصوص به چشم نمی‌خورد. تا اینکه در سال ۱۹۲۱ م. که عهدنامه مودت بین ایران و شوروی به امضا رسید، برای اولین بار به مسأله‌ی انتفاع طرفین از رودخانه سرحدی (اترک و ارس) پرداخته شد. مقرره‌ی عهدنامه‌ی مودت در قسمت آخر فصل سوّم در این خصوص چنین است:



«طرفین معظمین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی بهره‌مند خواهند شد...» (عباسی کامران، ۱۳۷۳: ۱۰۱).

در ماده‌ی هفتم عهدنامه‌ی مذکور، محترم شمردن رعایت حقوق و منافع طرف، در ماده‌ی هشتم استفاده از وسایل شناور (قایق، بلم و ...) تا خط مرز در روز روشن ایاب و ذهاب کردن، حق ماهیگیری طرفین در حدود مرزی خودشان را اشاره کرده است. نتیجه این که در مقوله‌ی بهره‌برداری از رودخانه با تأکید بر تساوی حقوق، رگه‌هایی از مناسبات مصالحت‌آمیز و همکاری را می‌توان دید.

### ج. همکاری‌های فنی و اقتصادی بر روی رودخانه‌ی ارس

از دیگر شواهد مبتنی بر هیدروپلیتیک مثبت می‌توان به همکاری‌های گسترده‌ی فنی، اقتصادی و احداث چهار سد بر روی رودخانه‌ی ارس اشاره کرد. پیشینه‌ی این همکاری بین‌الدولی به اجرای ماده‌ی سیزدهم موافقت‌نامه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۳۶ ه.ش و موافقت‌نامه‌ی دیگری به تاریخ بیستم مرداد ۱۳۳۶ ه.ش در تهران بر می‌گردد که تحت عنوان «موافقت‌نامه راجع به تهیه‌ی طرح‌های مقدماتی مربوط به استفاده‌ی متساوی مشترک از قسمت‌های مرزی رودخانه‌ی ارس و اترک برای آبیاری و تولید نیروی برق» به امضا رسید. پس از انجام مطالعات اولیه و کارشناسی، موضوع ایجاد و احداث دو سد بر روی ارس به سال ۱۳۴۲ ه.ش به امضا طرفین رسید. یکی سد مخزنی ارس در ناحیه‌ی نخجوان و دیگری ناحیه‌ی قرادیزه سد انحرافی میل و مغان بود. با احداث سد ارس و سد میل و مغان، بهره‌برداری از رودخانه‌ی ارس به صورت متساوی و مشترک و در نهایت روند هیدروپلیتیک، همکاری مثبت وارد مرحله‌ی جدید و جدی‌تری شد.

با احداث سدهای مذکور بر روی رودخانه‌ی ارس، قسمتی از خاک دو کشور در زیر آب قرار گرفت و خط مرزی در این مناطق دچار تغییراتی شد. برای تشخیص خط مرزی، تعیین حدود دیگری در دریاچه‌های پشت سدهای موصوف ضرورت پیدا نمود و دو طرف پروتکلی در ده ماده درباره‌ی تعیین مرز در دریاچه‌های فوق تنظیم و در هفتم می ۱۹۷۵ م. برابر با ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ ه.ش در مسکو به امضای نمایندگان دو کشور رسید. این پروتکل به عنوان پروتکل الحاقی به موافقت‌نامه‌ی راجع به حل مسائل مرزی و مالی بین ایران و شوروی مورخ دهم دسامبر ۱۹۵۴ م. برابر یازدهم آذر ماه ۱۳۳۳ ه.ش محسوب می‌گردد (بای، ۱۳۸۴: ۱۸۵).

### د) تعیین وضعیّت جزایر

در صفحات پیشین به وجود بالغ بر ۸۰۵ جزیره در داخل رودخانه‌ی ارس اشاره شد. وجود چنین جزایری به صورت بالقوه می‌تواند محل مناقشه باشد. در تحدید حدود اولیه بر روی



ارس و تعیین وضعیت جزایر، تعریض از جزیره بعمل نیامده بود و در آن موقع تمام جزایر موجود در رودخانه را بدون توجه به ساخت طبیعی و کوچکی و بزرگی در نظر گرفتند. اما در تحدید حدود کمیسیون مختلط سال ۱۳۳۴ ه.ش، مشکل بزرگی بروز نمود و آن موضوع «تغییر جزایر» بود که در طی نزدیک به ۱۳۰ سال به تدریج به وجود آمده بودند. به سبب این تغییرات، بسیاری از جزایر که در آن موقع موجود بوده به تدریج زیر آب رفته یا به خاک یکی از طرفین پیوسته بودند و در عین حال جزایر جدیدی به وجود آمده بود که مالکیت آنها تعیین نشده بود. با توافق کمیسیون مختلط، خط مرز که از وسط رودخانه و مهم ترین شعبه آن عبور داده شد، تعلق جزایر موجود در رودخانه به کشور ایران و شوروی نیز بر حسب موقعیت این جزایر نسبت به شعبه اصلی رودخانه یا بنا به نزدیکی این جزایر به کناره یکی از طرفین، معین و به تمام جزایر موجود در رودخانه، جداگانه شماره ترتیبی پیش بینی گردید. به علاوه در موقع کشیدن خط مرز دو جزیره شماره ۷۲ و ۵۹۱ که در وسط رودخانه قرار داشتند، با موافقت طرفین، این دو جزیره تنصیف و نیمی از آنها به ایران و نیمی دیگر به شوروی متعلق گردید. در کمیسیون مختلط ۱۳۳۵ - ۱۳۳۴ ه.ش بین ایران و شوروی، به صراحت به تغییرات جزایر اشاره نشده است، با این حال طرفین به طور کلی تغییرات رودخانه و تأثیر آن نسبت به مرز را مردود شمرده اند (همان: ۷۵ - ۵۸).

### و. وضعیت پل‌ها

پل‌ها حلقه‌ی اساسی و اصلی ارتباط بین کشورهای ساحلی یک رودخانه را تشکیل می‌هند. معمولاً زمانی که خط مرزی رودخانه تعیین می‌گردد، کشورهای ساحلی به تقسیم پل‌های موجود بر روی رودخانه اقدام می‌کنند. در مورد پل‌های واقع بر روی ارس، کمیسیون مشترک ایران و روسیه و بعدها شوروی، موافقت نمود که خط مرز از وسط پل‌ها عبور نماید و با خط مرز به دو نیمه تقسیم شود. البته این مقرر در یک مورد با یک استثنا همراه است و آن این که در محل پل خداآفرین، مرز روی آن با خط مرزی که از وسط رود ارس می‌گذرد مطابقت می‌کند. در محل پل خداآفرین، عمیق ترین قسمت مجرای رودخانه‌ی ارس، نزدیک مرز شوروی واقع شده است. هیأت نمایندگی در نظر داشت محل عبور مرز را با مرکز عمیق ترین مجرای رودخانه منطبق سازد و به این ترتیب ۳۹ متر از پل خداآفرین به شوروی و ۱۳۱ متر به ایران تعلق گرفت و بدین رو خط مرز استثنائاً بر روی پل از مقرر کل (تقسیم عادی پل‌ها) تخطی کرده و از وسط چشمه‌ی چهارم پل که روی هم ۱۵ چشمه است عبور داده شده است (بای، ۱۳۸۴: ۸۳ - ۱۸۲).



## ه. آخرین همکاری‌های ایران و شوروی در باب رود ارس قبل از فروپاشی

در موافقت‌نامه‌های بعدی در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۳ م. به ترتیب روند همکاری‌های دولتی ایران و شوروی در باب مسایل مرزی رودخانه گسترش یافت. به موجب پروتکل الحاقی ۱۹۷۰ م. ضمن در نظر گرفتن تساوی حقوق برای هر دو کشور در امر بهره‌برداری از منابع دریاچه سد مخزنی ارس و دریاچه سد انحرافی میل و مغان نسبت به رعایت عامل تساوی مساحت اراضی هر دو کشور و تعیین خط مرز جدید توافق شد و برخی از نقاط مرزی تغییر جهت داد در اوت ۱۹۷۳ م. پروتکل الحاقی به منظور تکمیل قرارداد در مورد انتظامات مرزی و ترتیب تصفیة اختلافات و حوادث در مرز از طرف نمایندگان دو دولت امضا شد و در دوم دسامبر همان سال پروتکل دیگری در مورد شرایط و مقررات نحوه اداره و بهره‌برداری از تأسیسات آب و برق و استفاده از منابع آب و انرژی تأسیسات مشترک موجود روی رودخانه ارس در تهران امضا شد و در ششم خرداد ماه ۱۳۵۳ ه.ش به تصویب مجلس شورای ملی رسید. آخرین موافقت‌نامه در مورد ارس «موافقت‌نامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی راجع به همکاری در احداث و بهره‌برداری تأسیسات آبی خدآفرین و قیزقلعه‌سی رودخانه مرزی ارس در ششم دسامبر ۱۹۸۸ م. برابر با پنجم آذر ۱۳۶۷ ه.ش در مسکو به امضا رسید. این موافقت‌نامه شامل یک مقدمه و یازده ماده است که در مورد احداث تأسیسات، بهره‌برداری از آب و منابع داخل آن و انرژی و تصفیه حساب‌های طرفین است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۳۰ - ۱۲۹).

## ی. توسعه روابط ژئواکونومیکی و ژئوکالچری بعد از دهه ۱۹۹۰ میلادی میان دوسوی ارس

پس از فروپاشی شوروی کارکرد مرزها دچار دگردیسی‌های ساختاری شد و شرایط سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی جدیدی بر منطقه حکمفرما شد. تغییرات مذکور در سایه افزایش تعداد حاکمیت‌ها بر حوضه رود ارس و بازتولید شرایط نوین بر فضای کالبدی منطقه تأثیرگذار بوده است. از جنبه‌های مثبت و نقش‌آفرین می‌توان به ایجاد بازارچه‌های مرزی، گمرکات جدید، افزایش مبادلات مرزی، رفت و آمد اتباع به کشورهای یکدیگر، ترانزیت کالا و تجارت چمدانی، احداث اماکن خدماتی و تجاری، توسعه زیرساخت‌ها و شبکه ارتباطی و شکل‌گیری منطقه آزاد ارس اشاره کرد (کریمی، ۱۳۹۱: ۶۱ - ۱۶۰). از نظر مسائل فرهنگی و تاریخی، مراودات و پیوندهای قومی، مذهبی، اجتماعی و زبانی ترک‌های آذربایجان با جمهوری آذربایجان و ارمنی‌های ایران با ارمنستان جزو مهم‌ترین نموده‌های گسترش روابط ژئوکالچری میان ساکنین دو سوی رودخانه ارس محسوب می‌گردد. کما این که در طول دهه‌های متمادی بواسطه قراردادهای اوایل قرن نوزدهم (گلستان و ترکمانچای) و بویژه با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شاهد گسست پیوندهای فرهنگی و تاریخی در سوی رود ارس بودیم.



در مجموع با توجه به مطالب مطرح شده از منظر تاریخی، روند هیدروپلیتیک ایران و شوروی به همراه کشور بالادست این حوضه آبی یعنی عثمانی و بعداً ترکیه و ادامه این روند بعد از تأسیس جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، در مجموع مثبت و مبتنی بر همکاری‌های فنی، اقتصادی، کشاورزی، آبیاری و ... بوده و برعکس رودخانه‌های اروند و هیرمند تقریباً مناقشه و منازعه بسیار حادّی بر سر مسائل رودخانه مرزی ارس بین طرفین حادث نشده است و چنانچه اختلافاتی بر سر مسائل این رودخانه از زمان بین‌المللی شدن پیش آمده از طریق مذاکره، گسترش مناسبات و انعقاد موافقت‌نامه‌های مختلف در درازنای تاریخ تا حدود بسیار زیادی حل و فصل گردیده است. بنابراین می‌توان گفت بخش عمده‌ای از مسائل هیدروپلیتیک ایران با کشورهای ساحلی رودخانه ارس بر بنیان «همکاری» بوده است. به عبارتی وجه غالب مناسبات پیرامون این پدیده جغرافیایی بر «هیدروپلیتیک مثبت» استوار بوده است. با این حال نمی‌توان برخی وجوه بالقوه و بالفعل مناقشه‌آفرین این حوضه رودخانه‌ای مشترک و بین‌المللی را نادیده گرفت که در ادامه به برخی جنبه‌های مناقشه‌آفرین هیدروپلیتیک ارس اشاره می‌شود.

### وجوه منازعه آفرین هیدروپلیتیک رود ارس

از زمینه‌های بالقوه بحران‌زایی رودخانه‌ی ارس که منجر به هیدروپلیتیک منفی و تنش‌زا می‌گردد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. منابع آب‌های سطحی مشترک خود شامل منابع آب ورودی و خروجی از کشور است. رودخانه‌ی ارس یکی از عمده منابع آب مشترک ورودی است. بدلیل این که امکان اندازه‌گیری کاملاً دقیق آورد این رودخانه‌ها در حوضه‌ی بالادست (شرق ترکیه) وجود ندارد، لذا در صورت تغییر شرایط بهره‌برداری، تغییر اقلیم و احداث و بهره‌برداری از سازه‌های آبی جدید در حوضه‌ی بالادست رود ارس در ارمنستان و به ویژه در ترکیه، منجر به ایجاد نوسان در دبی رودخانه می‌شود (کریمی، ۱۳۹۱: ۳). طرح‌های مشترک بهره‌برداری توسط کشورهای بالادست (ترکیه و ارمنستان) مانند طرح ایغدیر ترکیه و برداشت آب اضافی ارمنستان از سد سردار آباد از یک سو موجب بروز عدم تعادل در میزان بهره‌برداری کشورهای پائین دست می‌شود و از سوی دیگر اختلالات اساسی در اجرای طرح‌های مشترک بهره‌برداری در کشورهای پائین دست (ایران و جمهوری آذربایجان) را موجب خواهد شد. بنابراین بهره‌برداری از منابع آب رود ارس، به ویژه به دنبال برداشت بیشتر آب برای توسعه‌ی طرح‌های اقتصادی توسط کشورهای بالادست (ارمنستان و ترکیه) باعث کاهش آب ورودی به کشورهای پایین دست ایران و جمهوری آذربایجان خواهد شد.



۲. در برداشت مستقیم از آب ارس، کمیسیونی که بر اساس پروتکل بین ایران و شوروی تشکیل یافته، با وقوع جانسینی جمهوری آذربایجان و ارمنستان به جای شوروی، وضعیت جمهوری ارمنستان مشخص نیست. در هر حال ارمنستان در هیچ یک از جلسات کمیسیون مشترک بهره‌برداری حضور نداشته است. در برداشت مستقیم از آب ارس در پروتکل شماره ۲۲ کمیسیون مشترک بهره‌برداری، به میزان و نحوه‌ی برداشت ارمنستان اشاره‌ای نشده است و این موضوع زمینه‌ی بروز برخی اختلاف‌نظرها را در برداشت آب فراهم می‌کند.

۳. نبود یک ساختار قانونی ثبت‌شده در مجامع بین‌المللی که شامل کشورهای حوضه‌ی آبریز رود ارس باشد و طرح جامع آن را تنظیم و تصویب کند و در اجرا، نظارت کنترل داشته باشد، از دیگر زمینه‌های بالقوه بحران‌زایی در این حوضه‌ی مشترک می‌باشد.

۴. عوامل درونی و بیرونی متعددی همچون بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ، خصومت تاریخی ارمنه با ترک‌ها، صف‌بندی‌های ژئوپلیتیکی متضاد در بین کشورهای منطقه، حضور و دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، انتقال انرژی حوضه‌ی دریای خزر و اختلاف‌نظرهای شدید ایدئولوژیکی در بین کشورهای این حوضه‌ی آبریز، به قدری مسائل سیاسی منطقه را پیچیده کرده است که زمینه‌ی شکل‌گیری اجماع کشورهای ساحلی را برای تشکیل یک سازمان آب‌پایه و شرکت در کمیسیون‌های مشترک چهار جانبه به منظور استفاده‌ی بهینه و عادلانه از منابع آب رود ارس در سال‌ها و دهه‌های آتی را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

۵. در بحث مسایل زیست‌محیطی، کشورهای ارمنستان و ترکیه عمده‌ترین آلوده‌کننده‌ی رود ارس شناخته می‌شوند. طبق تحقیقات صورت گرفته، منطقه‌ی مغری ارمنستان به عنوان ناحیه‌ای که رود ارس را از نظر فاضلاب‌های صنعتی، استخراج فلز و ترکیبات پرتوزا آلوده می‌نماید، مطرح است و تاکنون در مقابل درخواست مقامات ایرانی مبنی بر اقدامات کنترلی، کاهش یا جلوگیری از ورود آلاینده به داخل رود ارس، واکنش مثبتی نشان نداده است. شرایط طبیعی منطقه‌ی مغری و مناقشه‌ی ارمنستان با جمهوری آذربایجان، مؤید این است که ارمنستان همچنان به ایجاد آلاینده‌ی ادامه خواهد داد. این مسأله از اصلی‌ترین چالش‌های هیدروپلیتیکی رود ارس می‌باشد که می‌تواند به واگرایی کشورهای حوضه‌ی رود ارس دامن بزند (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

۶. در سال‌های اخیر، سیر تزایدی مکان‌یابی طرح‌های صنعتی کشورهای همجوار رودخانه‌ی ارس از یک سو و افزایش جمعیت در حواشی رودخانه به دلیل پتانسیل‌ها و مقاصد گمرکی، اقتصادی، فنی، ماهیگیری و کشاورزی از سوی دیگر، میزان بهره‌برداری و استفاده از منابع آب رود ارس و شعبات تغذیه‌کننده‌ی آن را بیش از پیش افزایش داده است. امری که برداشت افزون‌تر از حقایقه‌ی در نظر گرفته شده برای هر یک از کشورها را تقویت می‌کند و زمینه‌ی نزاعات میان کشورهای این سیستم رودخانه‌ای را افزایش می‌دهد.



## نتیجه‌گیری

از نظر جغرافیای سیاسی و نیز حقوق بین‌الملل، رودخانه‌ی ارس در عین حال که یک رودخانه‌ی مرزی بین‌المللی است، یک رودخانه‌ی پیاپی نیز می‌باشد؛ به طوری که چهار واحد سیاسی مستقل ایران، ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان با توجه به کارکردهای متعدد رودخانه‌ی مزبور، به دنبال منافع خاص، مشترک و متداخل (دوجانبه و چندجانبه) هستند و از این رو دو موضوع آب و سیاست، یکسری مناسبات و همکاری‌ها (هیدروپلیتیک مثبت) و منازعات و مناقشات (هیدروپلیتیک منفی) را در بین دولت‌های ساحلی رودخانه‌ی ارس سبب شده است. ارس مهم‌ترین رودخانه‌ی حوضه‌ی آبریز شمال‌غرب ایران محسوب می‌شود که روزگاری به عنوان رود داخلی محسوب می‌شد و تحت حاکمیت دوگانه‌ی ایران و عثمانی بود که در اثر سیاست‌های توسعه‌ی ارضی روس‌ها، بخش‌هایی از حوضه‌ی آبریز آن از ایران جدا گشته و مطابق قرارداد ترکمانچای به رود مرزی تبدیل شد. از سال ۱۸۲۸ م. به بعد دول عثمانی، روسیه‌ی تزاری و ایران، جزو کشورهای ساحلی این رود محسوب می‌شدند. بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. و تشکیل کشور شوروی تا ۱۹۹۱ م. و فروپاشی این کشور، رودخانه‌ی مرزی ارس به شدت تحت کنترل و مدیریت همسایه‌ی شمالی بود. تحولات ژئوپلیتیکی حادث از ۱۹۹۱ م. به بعد و شکل‌گیری دولت - ملت‌های نوظهور، مسائل هیدروپلیتیکی این رودخانه تحت‌الشعاع چهار کشور ترکیه، ایران، آذربایجان و ارمنستان قرار گرفت. لذا تأثیرات متقابل سیاست و آب در رابطه با رودخانه‌ی ۱۰۷۲ کیلومتری ارس در وهله‌ی نخست، رابطه‌ی تنگاتنگی با جغرافیای تاریخی آن دارد. رودخانه‌ی مزبور یکی از منابع آب مشترک ورودی به ایران است که در بستر زمان تحولات مختلفی را به لحاظ هیدروپلیتیکی پشت سر گذاشته است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در مجموع روند همکاری‌های مشترک میان ایران با سایر کشورهای ساحلی، نشانگر غلبه‌ی هیدروپلیتیک همکاری بر هیدروپلیتیک منفی می‌باشد. نقطه‌ی شروع همکاری، معاهدات مختلف و کمیسیون‌های مشترک بین دولتین ایران و روسیه و بعدها شوروی در باب تعیین مرز، حل و فصل مسائل مرزی، تصفیه‌ی اختلافات و حوادث مرزی، نصب و مراقبت از علائم مرزی، همکاری‌های فنی (توپوژئودزی) و اقتصادی (هیدروالکتریک)، تعیین وضعیت جزایر و پل‌ها، تعیین خط مرز در دریاچه‌های پشت سد ارس و سد انحرافی میل و مغان و نظایر آن می‌باشد.

در دوره‌ی بعد از استقلال کشورهای قفقاز جنوبی، توسعه‌ی روابط ژئواکونومیکی و ژئوکالچری تقریباً روند مثبت هیدروپلیتیک رود ارس را تداوم بخشید و علی‌رغم تضادهای ژئوپلیتیکی میان ارمنستان و ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان، ایران و جمهوری



آذربایجان، مناسبات هیدروپلیتیکی حاکم بر رودخانه‌ی ارس در شرایطی نیست که کشورها در بهره‌برداری از رود ارس با مشکل جدی مواجه گردند. به طوری که ترکیه به عنوان متحد سیاسی با آذربایجان با وجود روابط سرد با ارمنستان به لحاظ واقع شدن در بالادست رود ارس در بهره‌برداری از منابع آب آن با یکدیگر همکاری دارند و ایران متحد سیاسی ارمنستان با جمهوری آذربایجان دارای طرح‌های مشترک می‌باشد. بنابراین بر طبق یافته‌ها، فرضیه‌ی پژوهش یعنی غلبه‌ی روند هیدروپلیتیک همکاری بر هیدروپلیتیک منازعه در رودخانه‌ی ارس، از زمان بین‌المللی شدن آن مورد تأیید قرار می‌گیرد.

البته وجوه مثبت هیدروپلیتیک همکاری، دلیلی بر نبود زمینه‌های بالقوه و بالفعل مناقشه میان کشورهای مختلف در حوضه‌ی آبریز ارس نیست. طرح‌های مشترک بهره‌برداری توسط کشورهای بالادست و به دنبال آن برداشت بیشتر آب برای توسعه‌ی طرح‌های اقتصادی توسط این کشورها، مشخص نبودن میزان و نحوه‌ی برداشت کشور ارمنستان از آب ارس، نبود ساختار قانونی ثبت‌شده در مجامع بین‌المللی درباره‌ی حوضه‌ی آبریز، آلودگی‌های زیست‌محیطی شدید توسط کشورهای این حوضه به‌ویژه توسط ارمنستان، پتانسیل برداشت افزون‌تر از حبابه‌ی در نظر گرفته شده برای هر یک از کشورها به‌دلیل روند افزایش بارگذاری فعالیت‌ها و استقرار طرح‌های کشاورزی، صنعتی و غیره، بخشی از مصادیق بارز هیدروپلیتیک منفی رودخانه‌ی ارس محسوب می‌شود که بالطبع گذر زمان، گستره و عمق عوامل تنش‌زا میان دولت‌ها را بهتر و دقیق‌تر بازنمایی خواهد کرد.



## منابع و مأخذ

- آقایی، بهمن (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات حقوق بین‌الملل دریاها و مسایل ایران، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- افشین، یدالله (۱۳۷۳)، رودخانه‌های ایران (جلد دوم)، تهران: انتشارات وزارت نیرو.
- اداره انتشار اسناد (۱۳۷۲)، اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- باربر، جیمز و اسمیت، مایکل (۱۳۸۴)، ماهیت سیاستگذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها، ترجمه حسین سیفزاده، تهران: نشر قومس.
- بای، یارمحمد (۱۳۸۴)، هیدروپلیتیک رودهای مرزی، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.
- برادن، کتلین و شلی، فرد (۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک فراگیر، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد.
- پاک‌نژاد متکی، حمیدرضا و فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۸۹)، «هیدروپلیتیک رودخانه‌ی مرزی ارس و تأثیر آن بر امنیت استان اردبیل»، تهران: فصل‌نامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۲۸.
- پرسکات، جی. آر. (۱۳۵۸)، گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه دزه میرحیدر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۴) مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر آبهای ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جانستون، رونالد (۱۳۷۹)، مسئله جا و مکان جغرافیایی «تفحصی در جغرافیای انسانی»، ترجمه جلال تبریزی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- جعفری، عباس (۱۳۷۴)، شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، تهران: انتشارات سازمان گیاتاشناسی.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، «استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین‌الملل»، تهران: مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال یازدهم، شماره ۲۶.
- حافظ‌زاده، محمد (۱۳۷۴)، ارس در گذرگاه تاریخ، تبریز: انتشارات نیا (نیمای سابق).
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات پاپلی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، قم: انتشارات سازمان حوزه‌ها و مدارس علمی خارج از کشور.



- حافظانیا، محمدرضا و نیکبخت، مهدی (۱۳۸۱)، «آب و تنش‌های اجتماعی - سیاسی، مطالعه موردی: گناباد»، مشهد: فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۶ - ۶۵.
- حافظانیا، محمدرضا و رحیمی، حسن (۱۳۸۴)، «بازتاب فضایی تحوّل کارکردی مرز جلفا پس از فروپاشی شوروی سابق»، تهران: مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳.
- خاماچی، بهروز (۱۳۷۰)، فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی، تهران: انتشارات سروش.
- دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۵۷)، جلد هفتم، تهران: ناشر مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حیات.
- دولتیار، مصطفی و گری، تیم (۱۳۸۹)، سیاست آب در خاورمیانه، ترجمه رسول افصلی و رضا التیامی‌نیا، تهران: نشر بین‌الملل.
- رحمانی، بیژن (۱۳۷۴)، فرهنگ اصطلاحات برگزیده جغرافیای انسانی - طبیعی، تهران: انتشارات علوی.
- روسو، شارل (۱۳۷۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه محمدعلی حکمت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زرقانی، سیده‌ادی (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- زرقانی، سیده‌ادی و صالح آبادی، ریحانه (۱۳۹۲)، «رودهای مرزی جنوب‌غرب آسیا، منازعه یا تعامل، طالقان»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب‌غرب آسیا.
- زنده‌دل، حسن و دیگران (۱۳۷۶)، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی استان آذربایجان غربی، تهران: نشر ایرانگردی.
- شرکت مهندسی مشاور جاماب (۱۳۷۷)، طرح جامع آب کشور حوضه آبریز ارس، تهران: انتشارات وزارت نیرو.
- ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۳)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات رشدیه.
- عباسی‌کامران، کاظم (۱۳۷۳)، نظام حقوقی حاکم بر رودخانه مرزی ارس، تهران: دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل.
- عزّتی، عزّت‌الله (۱۳۸۴)، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- فرشادگهر، ناصر (۱۳۶۷)، نظام حقوقی رودهای بین‌المللی و اروندرود، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کریمی، بایرام (۱۳۹۱)، هیدروپلیتیک رود مرزی ارس: منازعه یا همکاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- کریمی‌پور، یدالله و کامران، حسن (۱۳۸۰)، «نگاهی نو به طبقه‌بندی استراتژیک



- مرزها»، تهران: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۰.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلّم.
  - گنجی، منوچهر (۱۳۴۸)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  - لاکوست، ایو و ژیلین، بئتریس (۱۳۷۸)، عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک، تهران: نشر آمن.
  - مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
  - مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دزه میرحیدر با همکاری سید یحیی صفوی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
  - میرحیدر، دزه (۱۳۸۰)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
  - \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، «بررسی مفهوم Territoriality و تحول آن از دیدگاه جغرافیای سیاسی»، تهران: فصل‌نامه ژئوپلیتیک، شماره اول.
  - ناجی، سعید (بی‌تا)، تحلیلی بر ژئوپلیتیک خاور نزدیک بزرگ، تهران: انتشارات گوه‌رشاد.
  - هویدا، رحیم (۱۳۵۰)، «رودخانه آرس و رویدادهای تاریخی اطراف آن»، تهران: مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۲.
- Beach, H.L., and Others, (2000) **Transboundary Freshwater Dispute Resolution: Theory, Practice, and Annotated References**, New York: United Nations University Press.
- Glassner, M. and Fahrer, C., (2004) **Political Geography, USA**: John Wiley & Sons, Inc.
- [http://ookaboo.com/o/pictures/topic/12548458/Araks\\_River](http://ookaboo.com/o/pictures/topic/12548458/Araks_River).
  - [http://en.wikipedia.org/wiki/Aras\\_River](http://en.wikipedia.org/wiki/Aras_River).
  - McCaffrey, S.C., (2001) **the Law of International Water Sources: Non Navigation Uses**, New York: Oxford University Press.
  - Prescott, V. and Triggs, G. D., (2008) **International Frontiers and Boundaries: Law, Politics and Geography**, Leiden & Boston: Martinus Nijhoff Publishers.
  - UN, (2006) **Reducing Transboundary Degradation of Kura-Aras River Basin**, National TDA-Islamic Republic of Iran.

